

بررسی تطبیقی رده‌شناسی و طبقه‌بندی استعاره با رهیافتی زیباشناختی در زبان‌های فارسی و انگلیسی

میثم ابراهیمی (گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران)
مهیار علوی مقدم* (گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران)
محمد داوودی (گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران)

چکیده

کندوکاو در پیشینه تاریخی بلاغت در زبان‌های فارسی و انگلیسی، ما را با برخی همانندی‌ها و تمایزها و در نتیجه طبقه‌بندی بلاغی آشنا می‌کند. در این مقاله، می‌کوشیم به واکاوی تطبیقی یکی از شاخه‌های اساسی بلاغت در حوزه‌های زبانی و ادبی در علم «بیان» یعنی «استعاره» و طبقه‌بندی انواع آن در زبان‌های فارسی و انگلیسی بپردازیم تا به این ترتیب به زمینه‌ها و خاستگاه‌های جهان‌نگری و زیباشناختی این دو زبان دست یابیم. استعاره از تخیل‌آمیزترین صناعات مطرح در قلمرو علم بیان است که در بلاغت فارسی و انگلیسی در کنار وجوه تمایز، همانندی‌های بسیاری نیز دارند. استعاره در زبان انگلیسی به گستردگی و جزنگری زبان فارسی بحث نشده و کلی‌تر و در عین حال، دقیق‌تر و منظم‌تر بررسی شده است. در زبان بلاغی انگلیسی ذکر هر دو طرف اصلی تشبیه (مشبه و مشبه‌به) که در زبان بلاغی فارسی جز تشبیهات طبقه‌بندی می‌شود استعاره صریح خواننده شده است. استعاره در فارسی و انگلیسی دارای طبقه‌بندی‌هایی است که می‌توان نمونه‌هایی از استعاره را در میان این دو زبان یافت. ضمن آن که در بلاغت انگلیسی گونه‌ای استعاره وجود دارد که در آن هر دو رکن اصلی استعاره حذف می‌شوند که این نوع در بلاغت فارسی نمونه‌ای ندارد.

کلیدواژه‌ها: زبان‌های فارسی و انگلیسی، استعاره، رده‌شناسی، زبان‌شناسی، بررسی تطبیقی

* نویسنده مسئول m.alavi.m@hsu.ac.ir

۱. مقدمه

موضوع اساسی بلاغت، بررسی تأثیرگذاری اثر ادبی بر مخاطب و ترغیب و برانگیختن اوست. سه علم «معانی»، «بیان» و «بدیع»، بر روی هم دانش‌های زیباشناختی^۱ نام گرفته‌اند که درباره ترفندهای شاعرانه سخن می‌گویند و سخن را به مقتضای حال و مقام می‌سنجند و می‌کاوند. هرچند مفهوم بلاغت (رتوریک) از روزگار افلاطون تا امروز دستخوش تغییراتی شده (رک. احمدی، ۱۳۹۶، ص. ۲۷) بلاغت در تعریف، شاخه‌ها و انواع آن، طبقه‌بندی‌ها و روش‌شناسی در زبان‌های فارسی و انگلیسی به دلیل خاستگاه هنری، زمینه‌های جهان‌نگری و نگره‌های بنیادین زبان‌شناختی و زیباشناختی با یکدیگر همانندی‌ها و گاه ناهمانندی‌هایی دارند که در این مقاله می‌کوشیم به واکاوی تطبیقی یکی از شاخه‌های اساسی بلاغت یعنی علم «بیان» و کاربرد استعاره در فارسی و انگلیسی پردازیم تا به این ترتیب به زمینه‌ها و خاستگاه‌های جهان‌نگری و زیباشناختی این دو زبان دست یابیم.

جایگاه و اهمیت استعاره در ادبیات جهان به حدی است که «شعر را کلامی مبتنی بر استعاره و اوصاف دانسته‌اند» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۷۵، ص. ۲۱۳). اهمیت استعاره در بلاغت اسلامی (رک. شفیعی‌کدکنی، ۱۳۷۵، ص. ۱۱۲-۱۱۳) و هم در بلاغت غربی (رک. ولک و وارن، ۱۳۷۳، ص. ۲۰۷) تا آن جاست که آن را از ارکان اساسی شعر به‌شمار آورده و در تعریف شعر گنجانیده‌اند. سخنوران اروپایی استعاره را «ملکه تشبیهات مجازی» نامیده‌اند (کروچه، ۱۳۴۴، ص. ۴۶). استعاره از جمله صناعات بیانی است که معنای حقیقی کلمات را تغییر می‌دهد و در معنای مجازی به‌کار می‌رود:

زبان مجازی یعنی زبانی که مقصودش همان نیست که می‌گوید. اتومبیل‌ها کلاه بر سر نمی‌گذارند. آدم‌ها کشتی نیستند. زمان رودخانه نیست. شب کاسه آب نیست و صبح در آن سنگ نمی‌اندازد. زبانی که مقصودش همان باشد (یا می‌خواهد همان باشد) که می‌گوید و کلمات را در معنای زبان «معیار» به‌کار می‌برد، معیاری برگرفته

1. aesthetics

از رویه معمول گویندگان متعارف آن زبان است، زبان حقیقی نامیده می‌شود. زبان مجازی دانسته در نظام کاربرد حقیقی زبان تصرف می‌کند، زیرا بر این فرض متکی است که عبارات هرگاه در معنای حقیقی با یک شیء در ارتباط باشند، به شیء دیگر نیز می‌توان منتقلشان کرد. (هاوکس، ۱۳۷۷، ص. ۱۲)

این جایگاه متمایز استعاره در شعر، ما را بر آن داشت که به بررسی این مبحث به شکل دقیق‌تری و جزئی‌تر بپردازیم؛ بنابراین در این مقاله می‌کوشیم به واکاوی استعاره که یکی از مهم‌ترین صناعات مطرح در قلمرو علم بیان است در زبان بلاغی فارسی و Metaphor در زبان بلاغی انگلیسی بپردازیم.

این تحقیق می‌کوشد به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

- مبانی مشترک و متفاوت در تعریف و ارکان استعاره در زبان‌های فارسی و انگلیسی کدام‌اند و آیا این دو زبان در مبحث استعاره قابلیت تطبیق با یکدیگر را دارند؟
- زبان‌های فارسی و انگلیسی در چارچوب طبقه‌بندی استعاره چه همانندی‌ها و ناهمانندی‌های دارند؟
- کدام‌یک از این دو زبان دقیق‌تر، گسترده‌تر و منظم‌تر به مبحث استعاره پرداخته‌اند؟
- بین بلاغت تطبیقی علم بیان و کاربرد استعاره در دو زبان فارسی و انگلیسی با خاستگاه هنری، زمینه‌های جهان‌نگری و نگره‌های بنیادین زیباشناختی این دو زبان چه ارتباطی می‌توان یافت؟

۲.۱. فرضیه‌های تحقیق

این پژوهش بر این فرضیه‌ها استوار است:

- با توجه به این نکته که بلاغت به زبان و قوم خاصی وابسته نیست، مبحث استعاره در دو زبان فارسی و انگلیسی، قابلیت تطبیق با یکدیگر دارند.
- با توجه به خاستگاه اولیه مشترک زبان‌های فارسی و انگلیسی، مبحث استعاره در این دو زبان همانندی‌ها و ناهمانندی‌هایی دارد.

— کل‌نگری، دقیق‌تر و منظم‌تر بودن بلاغت انگلیسی با جزء‌نگری، ریزبینی و گستردگی مباحث استعاره در بلاغت فارسی قابل تطبیق است.

— در بررسی تطبیقی بلاغت علم بیان و کاربرد استعاره در دو زبان فارسی و انگلیسی، خاستگاه هنری، زمینه‌های جهان‌نگری و نگره‌های بنیادین زیباشناختی این دو زبان با یکدیگر پیوندهایی دارند.

۲. پیشینه پژوهش

پیشینه این پژوهش را می‌توان در سه گروه طبقه‌بندی کرد:

الف. کتاب‌ها: نویسندگان بسیاری از کتاب‌های بلاغی به مبحث استعاره توجه کرده‌اند، اما تعداد اندکی از آن‌ها به بررسی استعاره در زبان فارسی و زبان‌های اروپایی و به‌ویژه انگلیسی پرداخته‌اند. از جمله این کتاب‌ها می‌توان به *واژه‌نامه هنر شاعری: فرهنگ تفصیلی اصطلاحات فن شعر و سبک‌ها و مکتب‌های آن* نوشته میمنت میرصادقی (۱۳۸۵) اشاره کرد که در آن برخی از نکات تاریخی و اصطلاحی استعاره در بلاغت فارسی و انگلیسی دیده می‌شود. شمیسا (۱۳۹۲) علاوه بر اصطلاحات بیان فارسی مناسب با موضوع، نمونه‌هایی از اصطلاحات بلاغت انگلیسی را آورده و *فرهنگ اصطلاحات ادبی* نوشته سیماداد (۱۳۹۲) صناعات و فنون ادبی مطرح در زبان‌های فارسی و انگلیسی را به‌صورت تطبیقی و جداگانه بررسی کرده است.

ب. پایان‌نامه‌ها: از جمله پایان‌نامه‌های نگاشته شده در این زمینه می‌توان به پایان‌نامه زهرا آقازینالی (۱۳۸۵) با عنوان «مقایسه صور خیال در ادبیات فارسی و انگلیسی» که در آن نویسنده به بررسی تطبیقی انواع صور خیال «تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه» در دو زبان فارسی و انگلیسی پرداخته‌است و پایان‌نامه عزت‌الله سپه‌وند (۱۳۹۱) با عنوان «بلاغت تطبیقی در حوزه فارسی و انگلیسی» اشاره کرد که در آن دانش‌های زیباشناختی (معانی، بیان و بدیع) و صناعات مطرح در این علوم به صورت مقایسه‌ای در دو زبان فارسی و انگلیسی مورد بررسی قرار گرفته است.

پ. **مقالات:** از جمله مقالاتی که در زمینه استعاره نگاشته شده می‌توان به مقاله «اشعار تی. اس. الیوت در زبان فارسی: بررسی موردی ترجمه استعاره‌ها در سرزمین بی‌حاصل» نوشته سجادی و رستمی (۱۳۹۳) اشاره کرد که در آن، استعاره با توجه به بازنمایی‌ها در تلمیحات شعر یاد شده بررسی شده است. مقاله «مفهوم‌شناسی استعاره در غرب و بلاغت اسلامی» نوشته براتی، صالحی مازندرانی، امامی و لویمی مطلق (۱۳۹۵) ضمن بررسی سیر تطور تاریخی مفهوم استعاره در بلاغت اسلامی و در غرب، معایب و مزایای این بررسی را نیز بیان است. مقاله «بررسی و ارزیابی نظریه استعاره مفهومی» نوشته براتی (۱۳۹۶) به بررسی نظریه‌های معاصر استعاره در برابر نظریه سنتی پرداخته است. مقاله «واکاوی استعاره از منظر بلاغت سنتی و جدید در زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی» نوشته کاظمی تبار (۱۳۹۶) معنای لغوی و اصطلاحی، ویژگی‌ها، علت پیدایش و کارکرد استعاره را از نگاه گذشتگان و معاصران بررسی و نقد کرده است. مقاله «بررسی نظریه «استعاره: تشبیه کوتاه شده» و نسبت آن با نظریه‌های جدید استعاره (مطالعه موردی: سه نظریه از سکاکی، مکس بلک و دیویدسون)» نوشته معصومی، ابن‌الرسول، خاقانی اصفهانی و رفیعی (۱۳۹۷) با مطالعه‌ای تطبیقی «تشبیه کوتاه‌شده» را در هر دو زبان بررسی کرده و کاستی‌های هر یک را شرح داده است. مقاله «استعاره در گذر زمان؛ بررسی، تحلیل و نقد تطور بلاغی عربی و فارسی» نوشته رضایی (۱۳۹۸) به بررسی و تحلیل تعاریف استعاره در بیشتر متون عربی و فارسی پرداخته است. اما درباره موضوع مورد بحث باید به مقاله «بررسی اجمالی صور خیال در بلاغت فارسی و انگلیسی» نوشته آقاحسینی و آقازینالی (۱۳۸۵) اشاره کرد که در این مقاله نویسندگان بسیار مختصر به بررسی تطبیقی برخی از مباحث استعاره در زبان‌های فارسی و انگلیسی روی آورده‌اند.

با توجه به آنچه گفته شد، بی‌گمان در میان پژوهش‌های بلاغت تطبیقی و کاربرد استعاره در زبان‌های فارسی و انگلیسی، تاکنون هیچ اثر مستقلی نگاشته نشده است و این خلأ پژوهشی، موجب شد نویسندگان به چنین پژوهشی دست یازند.

۲. ۱. بررسی تطبیقی تعریف «استعاره» در بلاغت فارسی و انگلیسی

ارسطو نخستین کسی است استعاره را تعریف کرده است. وی در کتاب فن شعر (ارسطو، ۱۳۴۳، ص. ۹۰) استعاره را چنین تعریف کرده است: «استعاره عبارت از این است که اسم چیزی را بر چیزی دیگر نقل کنند». البته برخی از مترجمان آن را به مجاز ترجمه کرده‌اند، اما Metaphor در اصل از واژه یونانی Metaphora گرفته شده که خود مشتق است از Meta به معنای «فرا» و Pherein، به معنای «بردن» (هاوکس، ۱۳۷۷، ص. ۱۱). بنابراین اصطلاح Metaphor به معنی «فرابرده» یا انتقال است. ارسطو (۱۳۴۳، ص. ۹۰-۹۱) در کتاب فن شعر استعاره را به چهار نوع تقسیم می‌کند: ۱. نقل از جنس به نوع؛ ۲. نقل از نوع به جنس؛ ۳. نقل از نوع به نوع؛ ۴. نقل به حسب تمثیل.

مثال نقل از جنس به نوع: «در این جا کشتی من ایستاد». لنگر انداختن هم نوعی ایستادن شمرده می‌شود. اما نقل از نوع به جنس مثل این عبارت است: «اولیس ده‌ها هزار کار بزرگ کرده است». زیرا ده‌ها هزار دلالت بر بسیاری می‌کند و در این موضوع به جای کلمه بسیار به کار رفته است. نقل از نوع به نوع مثل این عبارت است: «زندگانش را با روئینه تیغی به پایان برد یا روئینه‌ای تیز زندگانش را قطع کرد». در این جا به پایان آوردن و قطع کردن هر دو به یک معنی آمده است و معنی هر دو جان ستاندن و هلاک کردن است. مراد از نقل به تمثیل آن است که از چهار تعبیر مفروض، نسبت تعبیر دوم با تعبیر اول درست مانند نسبت بین تعبیر چهارم باشد با تعبیر سوم. در بعضی موارد هم کلمه‌ای را که در معنی حقیقی خویش به کار رفته است به جای آنچه مجازاً بدان تعلق دارد می‌آورند. چنان‌که، نسبت جام و باکوس همان نسبتی است که بین سپر با مارس وجود دارد. بنابراین ممکن است از سپر به جام مارس و از جام به سپر باکوس تعبیر کرد.

از میان چهار نوعی که ارسطو برای استعاره ذکر کرد، تنها نوع چهارم به عنوان استعاره شناخته شده است. در منابع انگلیسی ذیل اصطلاح Metaphor چنین آمده است: «کلمات یا عبارت در معنایی غیر از معنای تحت‌اللفظی شان به کار می‌روند.

یعنی کلمه‌ای که به یک شیء یا کار مشخص اشاره دارد برای شیء یا کار دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما به شباهت میان آن‌ها اشاره نمی‌شود» (ایبرامز و گالت هرهم، ۱۳۹۴، ص. ۱۵۱)؛ برای نمونه چندین استعاره «در ابیات زیر از آغاز آهنگ «در طول سال‌ها»^۱ اثر رونالد استورت توماس^۲ وجود دارد:

Shelley dreamed it. Now the dream decays.
The props crumble. The familiar ways
Are stale with tears trodden underfoot.
The heart's flower withers at the root.
Bury it, then, in history's sterile dust.
The slow years shall tame your tawny lust.

شلی آن را خواب دید. اکنون رؤیا از بین می‌رود.

صحنه نمایش خرد شد. شیوه‌های آشنا.

اشک در زیر پا گام زده است؟

گل قلب در ریشه پژمرده می‌شود.

سپس آن را در گرد و غبار سترون تاریخ دفن کنید.

سال‌های آرام باید هوس خوابیده خود را تسخیر کند. (کادن^۳، ۲۰۱۳، ص. ۴۳۲-)

(۴۳۳)

در بلاغت فارسی «استعاره آن است که عبارتی از موضع استعمالش در اصل لغت، به جهت غرضی به معنای دیگری منتقل کنند و آن غرض یا برای شرح و روشن نمودن آن است یا برای تأکید و مبالغه است یا برای اشاره نمودن به آن با لفظی اندک» (عسکری، ۱۳۷۲، ص. ۳۶۲). در واقع در بلاغت فارسی استعاره را می‌توان هم نوعی تشبیه و هم نوعی مجاز دانست. چنان‌که در تعریف آن گفته‌اند: «استعاره تشبیهی است که یکی از طرفین آن حذف شده باشد یا مجازی است با علاقه مشابهت، با وجود قرینه‌ای که ذهن را از معنی حقیقی دور کند و به معنی مجازی برساند» (علوی‌مقدم و اشرف‌زاده، ۱۳۹۳، ص. ۱۱۷).

1. At the Year's Turning
2. Ronald Stuart Tomas
3. Cuddon

همان‌طور که در تعاریف استعاره مشخص شد هر دو زبان، استعاره را بر مبنای تشبیه قرار داده‌اند. در میان تمامی ملل و به‌خصوص زبان‌های فارسی و انگلیسی، تشبیه از نخستین اشکال تصویرگری نزد شعرا بوده است. به موازات تکامل تصویرگری، رفته‌رفته تشبیه مختصرتر و فشرده‌تر شده و پس از حذف ادات تشبیه به استعاره نزدیک شده است. این معنی در تعریف بلاغیون باستان همچون ارسطو به‌خوبی منعکس است. او استعاره را تشبیهی می‌داند بدون ادات شبه (رک. داد، ۱۳۹۲، ص. ۱۳۴)؛ بنابراین در بلاغت فارسی و انگلیسی استعاره را تشبیهی فشرده^۱ دانسته‌اند. از سوی دیگر، رجحان استعاره بر تشبیه در هر دو دیدگاه امری پذیرفته شده است:

کلمه‌ای که در استعاره به‌کار می‌رود حاوی معنی وسیع و گسترده‌ای است که به خواننده و شنونده واگذار می‌شود. با این همه بعضی اعتقاد دارند که تشبیه از استعاره زنده‌تر و پرتحرک‌تر و در نتیجه مؤثرتر است و وجود ارکان تشبیه در کلام آن را رساتر می‌کند، اما بعضی تأثیر استعاره را بیشتر و قوی‌تر از تشبیه می‌دانند، با این استدلال که در تشبیه یک یا چند مورد مشابهت بین مشبه و مشبه‌به مورد نظر گوینده است، در حالی که در استعاره، مشبه‌به جایگزین مشبه می‌شود. ارسطو فیلسوف یونانی با آن‌که برای تشبیه تأثیری فوق‌العاده قائل است، استعاره را بر تشبیه ترجیح می‌دهد، از نظر این‌که در تشبیه شاعر دو شیء جداگانه را عیناً یکی نمی‌داند، اما در استعاره یکی را جانشین دیگری می‌کند. (میرصادقی، ۱۳۸۵، ص. ۲۴-۲۵)

وجه تمایز استعاره در بلاغت فارسی با Metaphor در بلاغت انگلیسی آن است که در بلاغت فارسی استعاره بر مبنای مجاز نیز تعریف می‌شود، چنان‌که گفته‌اند: هنری‌ترین نوع مجاز، استعاره است که به علاقه‌مشابهت است، ولی در انگلیسی از قول یاکوبسن گفته شده است که استعاره بر مبنای مشابهت، متفاوت از مجاز بر مبنای مجاورت است (رک. مهدی‌زاده سراج، ۱۳۷۹، ص. ۷۶۲).

۲.۲. بررسی تطبیقی «ارکان و پایه‌های استعاره» در بلاغت فارسی و انگلیسی

در بلاغت فارسی استعاره دارای سه رکن است که عبارت‌اند از:

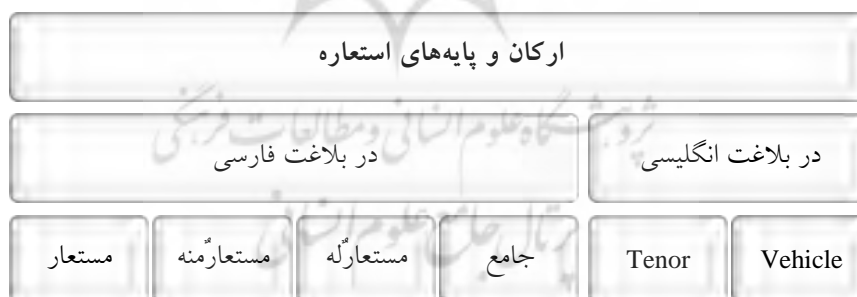
۱. مستعار و آن لفظ مشبّه به است.

۲. مستعارمنه و آن معنی مشبّه به است.

۳. مستعارگه و آن معنی مشبه است.

مستعار و مستعارگه را طرفین تشبیه نامند و صفت بین طرفین را که در تشبیه به وجه شبه موسوم است در اینجا جامع گویند (رجایی، ۱۳۵۳، ص. ۲۸۸).

در بلاغت انگلیسی ریچاردز^۱ به وجود دو عنصر در استعاره اذعان دارد؛ یکی آنچه بیان نشده و مراد اصلی گوینده همان بوده که به آن منظور اصلی^۲ یا مستعارگه می‌گوییم و دیگر آنچه به‌کاررفته یعنی کلمه به‌عاریت گرفته شده که ریچاردز آن را وسیله^۳ می‌خواند که در بلاغت ما به آن مستعارمنه گفته می‌شود (مستعار به لفظ استعاره اطلاق می‌شود و آن کلمه اصلی که از آن استفاده شده مستعارمنه است). بنابراین ریچاردز معتقد است که استعاره ترکیبی از مستعارمنه و مستعارگه است (رک. ریچاردز، ۱۳۸۲، فصل ۵ و ۶).



نمودار ۱. ارکان و پایه‌های استعاره

1. I. A. Richards

2. tenor

3. vehicle

۳. روش پژوهش

در این پژوهش با روش کتابخانه‌ای، در پی بررسی تطبیقی طبقه‌بندی استعاره، در دو زبان فارسی و انگلیسی هستیم. روش استدلالی تحقیق در این مقاله روش استقرایی (جزء به کل) و روش تحلیل داده‌ها نیز روش کیفی است. از سویی دیگر، این پژوهش براساس مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی نگاشته شده است.

۴. یافته‌ها و بحث

۴. ۱. طبقه‌بندی‌های استعاره در زبان فارسی و انگلیسی

در بلاغت فارسی و انگلیسی استعاره را از منظرهای گوناگون می‌توان طبقه‌بندی کرد:

۴. ۱. ۱. طبقه‌بندی استعاره به اعتبار وجود لفظ مستعار

الف. در بلاغت فارسی

در بلاغت فارسی استعاره را، از دید ساختار آن، به دو گونه بنیادین تقسیم کرده‌اند:

- استعاره مصرحه (آشکار)

استعاره‌ای است که در آن مشبه حذف و مشبه‌به آورده می‌شود البته باید نشانه یا قرینه‌ای در جمله باشد که از وابستگان مشبه محذوف است. این نشانه ذهن خواننده را از معنای حقیقی مستعار دور می‌کند و به معنای مجازی می‌رساند (رک. علوی‌مقدم و اشرف‌زاده، ۱۳۹۳، ص. ۱۱۸). برای نمونه:

بتی دارم که گرد گل ز سنبل سایبان دارد بهار عارضش خطی به خون ارغوان دارد
(حافظ، ۱۳۸۵، ص. ۱۲۰)

– استعارهٔ مکنیه (کنایی)

اگر در ذهن هنرمند تشبیهی پنهان باشد و برای بیان این تشبیه، مشبه را ذکر کند و مشبه را حذف نماید البته باید نشانه یا قرینه‌ای در جمله باشد که از وابستگی مشبه به محذوف است (رک. علوی‌مقدم و اشرف‌زاده، ۱۳۹۳، ص. ۱۲۱) مانند بیت:

شبی گیسوفروشته به دامن پلاستین معجرو قیرینه گرزن
(منوچهری، ۱۳۷۵، ص. ۸۶)

در بلاغت فارسی آنچه که با نام تشخیص از آن یاد می‌شود در اصل استعاره‌ای است مکنیه که مشبه به محذوف آن انسان است؛ برای نمونه:

قلم را آن زبان نبود که سر عشق گوید باز و رای حد تقدیر است شرح آرزومندی
(حافظ، ۱۳۸۵، ص. ۴۴۱)

در بلاغت فارسی باقی استعاره‌ها زیر مجموعهٔ این دو (استعارهٔ مکنیه و مصرحه) قرار دارند.

ب. در بلاغت انگلیسی

– استعارهٔ صریح یا آشکار

در بلاغت انگلیسی، Explicit Metaphor «ساده‌ترین نوع استعاره است که با تعریف ارسطویی از استعاره مطابقت دارد. در این قسم از استعاره هم لفظ مستعار و هم لفظ مستعارمنه هر دو ذکر می‌شوند» (داد، ۱۳۹۲، ص. ۳۰):. برای نمونه:

Sorrow is my own yard.

غم و غصه حیاط من است. (پراین، ۲۰۱۸، ص. ۷۶۳)

در نمونهٔ مذکور «اصطلاح حقیقی Sorrow و اصطلاح مجازی yard هر دو ذکر شده‌اند» (پراین، ۲۰۱۸، ص. ۷۷۵).

همان‌طور که در تعریف استعاره گذشت، استعاره تشبیهی است که علاوه بر حذف ادات، یکی از طرفین اصلی تشبیه (مشبه یا مشبه‌به) نیز باید محذوف باشند، اما در استعارهٔ صریح بلاغت انگلیسی ذکر هر دو پایهٔ تشبیه نیز مانعی ندارد که این نوع

استعاره معادل تشبیه بلیغ و نیز تشبیه مؤکد (محذوف‌الادات) در بلاغت فارسی است؛ به عبارت دیگر آنچه در بلاغت انگلیسی استعاره صریح نامیده می‌شود در بلاغت فارسی در زمره تشبیهات قرار می‌گیرد (رک. آفاحسینی و آقازینالی، ۱۳۸۶، ص. ۶۷).

– استعاره تلویحی

در بلاغت انگلیسی دو استعاره مصرحه و مکنیه فارسی، ذیل اصطلاح Implicit Metaphor یا استعاره تلویحی قرار می‌گیرند. توضیح آن‌که «استعاره تلویحی در بلاغت انگلیسی به‌طور کلی بر پوشیدگی یکی از اجزاء یا هر دو جزء مستعار یا مستعارمنه استوار است» (داد، ۱۳۹۲، ص. ۳۰)؛ بنابراین باید گفت استعاره تلویحی در بلاغت انگلیسی در سه قسم ظاهر می‌شود که عبارت‌اند از:

۱. در قسم اول، مشبه ذکر و مشبه‌به سربسته و تلویحی باقی می‌ماند و ذکر نمی‌شود [معادل استعاره مکنیه فارسی]؛ برای نمونه در ابیات زیر سروده لنگستون هیوز^۱، dream مشبه ذکر و [bomb] مشبه‌به حذف گردیده است:

What happens to a dream deferred?	چه اتفاقی برای رؤیا افتاده است؟
Does it dry up?	آیا آن خاموش می‌شود؟
Like a raisin in the sun?	مانند رنگ کشمشی خورشید؟
Or fester like a sore	یا مانند یک جراحت خاموش می‌شود
And then run?	و سپس ادامه می‌یابد؟
Does it stink like rotten meat?	آیا آن را مانند گوشت فاسد می‌کند؟
Or crust and sugar over	آیا پوسته و شکر روی آن
Like a syrupy sweet?	مانند شربت شیرین است؟
Maybe it just sags	شاید آن را فقط ببندد
Like a heavy load.	مانند باری سنگین
Or does it explode?	یا آیا آن منفجر می‌شود؟

1. Langston Hughes

۲. در قسم دوم استعاره تلویحی، شبه حذف و مشبّه به ذکر می‌گردد [معادل استعاره مصرحه فارسی].

۳. در نوع سوم مشبه و مشبّه به هر دو محذوف هستند [در فارسی رایج نیست]. شعر زیر هر دو شکل (مورد ۲ و ۳) را نشان می‌دهد:

It sifts from Leaden Sieves	آن از غربال سربی عبور می‌کند
It powders all the Wood.	این پودر تماماً چوبی است
It fills with Alabaster Wool	آن را با پشم سفید پر می‌کند
The Wrinkles of the Road	چین و چروک خیابان
It makes an Even Face	آن حتی منظره را می‌سازد
Of Mountain, and of Plain	از کوه، و از دشت
Unbroken Forehead from the East	سرش را از مشرق بیرون می‌کشد
Unco the East again.	بسیار، مجدداً از مشرق (پراین، ۲۰۱۸، ص. ۷۷۴-۷۷۵).

در ابیات مذکور سروده امیلی الیزابت دیکینسون^۱ دو استعاره وجود دارد:

الف. در بند سوم، عبارت *It Fills with Alabaster Wool* کلمه *wool* به‌عنوان مشبّه به ذکر شده است و با توجه به قرینه‌ای در فعل *Fills* می‌توان دریافت که [snow] به‌عنوان مشبه سربسته و تلویحی باقی مانده است که این قسم از استعاره در بلاغت انگلیسی معادل استعاره مصرحه در بلاغت فارسی است.

ب. در بند اول، عبارت *Its sifts from Leaden Sieves* با توجه به قرینه در فعل *sifts* و نیز مفهوم کل شعر می‌توان دریافت [snow] مشبه و [flour] مشبّه به هر دو محذوف‌اند. این نوع استعاره در بلاغت فارسی وجود ندارد (رک. پراین، ۲۰۱۸، ص. ۷۷۶).

1. Emily Elizabeth Dickinson

- تجسم شخصیت

تجسم شخصیت^۱ در بلاغت انگلیسی شامل، «دادن ویژگی‌های یک انسان به یک حیوان، یک شیء یا یک مفهوم است. این به‌راستی زیرمجموعه استعاره است، یک مقایسه تلویحی که در آن، اصطلاح مجازی مقایسه (مشبه‌به) همیشه انسان است» (پراین، ۲۰۱۸، ص. ۷۷۶). برای نمونه جان میلتون^۲ در بهشت گمشده^۳ آنجا که آدم سیب ممنوعه را گاز زد، نوشت است:

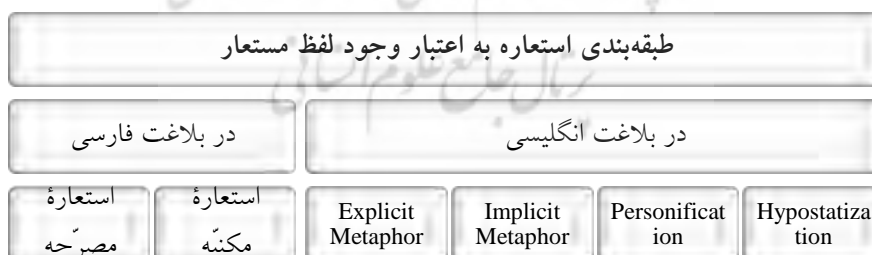
Sky lowered, and muttering thunder, some sad drops
Wept at completing of the mortal sin.

آسمان سر فرود آورد، زیر لب رعدی کشید و از غم چند قطره اشک

در پی آن گناه مهلک گریست (ایبرامز و گالت هرهم، ۱۳۹۴، ص. ۱۵۵).

به‌طور کلی جستجو در کتاب‌های بلاغت این عقیده را تأیید می‌کند که «همواره مثال‌های استعاره مکنیه، مثال‌هایی است در حوزه تشخیص» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵، ص. ۱۵۳) و آن استعاره مکنیه‌ای است که «مشبه‌به» محذوف انسان، جاندار و ضمیر ذی روح است، در مقابل Personification به معنای تشخیص در بلاغت انگلیسی نمی‌تواند معادل استعاره مکنیه فارسی قرار گیرد. در بلاغت فارسی رابطه تشخیص و استعاره مکنیه عموم و خصوص مطلق است، هر تشخیصی استعاره مکنیه است اما هر استعاره مکنیه‌ای تشخیص نیست. استعاره مکنیه از تشخیص بسیار وسیع‌تر است (رک. آفاحسینی و آقازینالی، ۱۳۸۶، ص. ۷۰).

طبقه‌بندی استعاره به اعتبار وجود لفظ مستعار



نمودار ۲. طبقه‌بندی استعاره به اعتبار وجود لفظ مستعار

1. personification
2. John Milton
3. Paradise Lost

۴. ۱. ۲. طبقه‌بندی استعاره به اعتبار کیفیت لفظ مستعار

الف. در بلاغت فارسی

- استعاره اصلی

اگر کلمه مستعار اسم جنس باشد، استعاره را اصلی‌ه گویند چون مستقیماً استعاره است (اصطلاحات استعاری که تاکنون ذکر شد اسم بودند).

- استعاره تبعیه

استعاره تبعیه در بلاغت فارسی بر دو نوع است:

۱. کلمه مستعار فعل یا مشتقات آن باشد؛ برای نمونه در بیت:

«آن روزها رفتند

آن روزهایی کز شکاف پلک‌های من

آوازه‌ایم، چون حبیبی از هوا لبریز، می‌جوشید

چشمم بر روی هر چه می‌لغزید

آن را چو شیر تازه می‌نوشتید» (فرخزاد، ۱۳۶۹، ص. ۱۰).

«می‌لغزید» فعل است و استعاره تبعیه و لغزیدن اسم است و استعاره از تند دویدن و با شتاب رفتن.

۲. نوع دیگر استعاره تبعیه استعاره در صفت است؛ برای نمونه در «زخمی تابان

داشت» تابان، استعاره تبعیه از بسیار خونین است.

ب. در بلاغت انگلیسی

در زبان انگلیسی نیز، استعاره در فعل و صفت وجود دارد. «استفاده استعاری از

فعل^۱ در نمایش تاجر ونیزی^۲ ویلیام شکسپیر، پرده پنجم، صحنه اول دیده می‌شود:

How sweet the moonlight sleeps upon this bank

نور ماه چه زیبا بر روی این ساحل می‌آرامد.

1. verb

2. Merchant of Venice

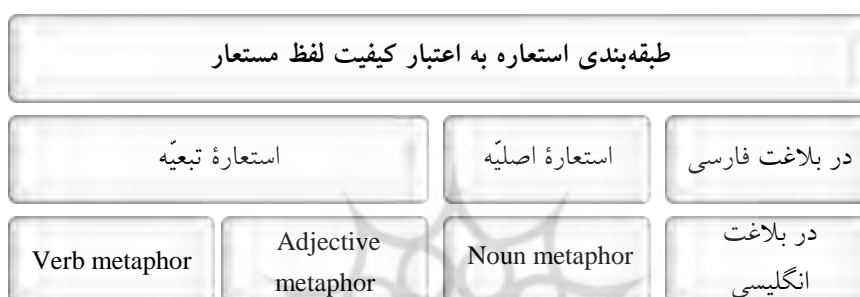
و استفاده استعاری از صفت^۱ در شعر «باغ»^۲ (۱۶۸۱) اثر آندره مارول^۳ وجود دارد:

Annihilating all that's made
To a green thought in a green shade.

نابود کردن همه چیز ساختگی است

با اندیشه‌ای سبز زیر سرپناهی سبز (ایبرامز و گالت هرفم، ۱۳۹۴، ص.

۱۵۳-۱۵۲).



نمودار ۳. طبقه‌بندی استعاره به اعتبار کیفیت لفظ مستعار

۴. ۱. ۳. طبقه‌بندی استعاره به اعتبار جامع

۴. ۱. ۳. ۱. استعاره قریب (نزدیک و مبتدل)

استعاره مبتدل و تکراری و آسان فهم

استعاره‌ای است که در آن ربط بین مستعارگه و مستعارمنه آشکار باشد. این گونه استعاره‌ها گاهی به حدی تکراری و به اصطلاح کلیشه‌ای می‌شوند که در حکم لغت معمولی قرار می‌گیرند و نیروی هنری خود را کاملاً از دست می‌دهند. اسم دیگر آن در متون بلاغی استعاره عامیه مبتذله است. منشأ این گونه استعارات، تشبیهات کهنه و تکراری است؛ نمونه‌های آن در ادبیات ما لعل در معنی لب و سنبل در معنی زلف، آتش در معنی رخسار و هندو به معنی زلف، نرگس به معنی چشم، گل به معنی گونه و سرو به معنی بلندبالا است. (شمیسا، ۱۳۹۲، ص. ۲۰۲)

1. adjective

2. The Garden

3. Andrew Marvell

سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند همدم گل نمی‌شود یاد سمن نمی‌کند
(حافظ، ۱۳۸۵، ص. ۱۹۲)

در مقابل در بلاغت انگلیسی، «استعاره از جهت واژگانی شدن در فرهنگ لغت به دو نوع: ۱. استعارهٔ مرده^۱ و ۲. استعارهٔ زنده^۲ تقسیم می‌شود و استعارهٔ زنده استعاره‌ای جدیدی است که در واژگان زبان ثبت نشده است» (آقاحسینی و آقازینالی، ۱۳۸۶، ص. ۷۲). باید افزود که مصادیق استعارهٔ قریب در بلاغت انگلیسی دو نوع است:

۱. اصطلاح استعارهٔ مرده، استعاره‌ای است که از دیر زمان مورد استفاده قرار گرفته و به قدری رایج شده است که مغایرت مانسته و ماننده توجه ما را جلب نمی‌کند، مانند «پای میز»، و «جان کلام»، اما بسیاری از استعاره‌های مرده [جان نباخته و] صرفاً در حال مردن هستند و دوباره به راحتی آن‌ها را به حیات بازگرداند. شخصی از گروه مارکس پرسید: «Are you a man or a mouse?» «آیا تو مرد هستی یا موش؟» او پاسخ داد: «Throw me a piece of cheese and you'll find out» «تکه‌ای پنیر برایم بینداز تا بفهمی» موش در این جمله به معنی ترسو است و در اثر تداول به استعارهٔ مرده تبدیل شده است. تاریخ زبان نشان می‌دهد که اکثر واژه‌های که ما اکنون فرض می‌کنیم معنای صریح دارند، در گذشتهٔ دور استعاره بوده‌اند (ایبرامز و گالت هرفم، ۱۳۹۴، ص. ۱۵۳-۱۵۴)

به عبارت دیگر «استعارهٔ مرده یک معنی معمولی و قراردادی دارد که از اصل متفاوت است، می‌توان آن را بدون دانستن مفهوم اولیه درک کرد» (براتی، ۱۳۹۶، ص. ۷۰-۷۱). نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که «در بسیاری موارد وقتی زمینهٔ زبانی یک چنین استعاره‌ای تغییر می‌کند استعارهٔ مرده بار دیگر تشخص و تازگی می‌یابد؛ برای نمونه عبارت (grey cat in the night) 'گرهٔ خاکستری در شب' در انگلیسی استعارهٔ مرده‌ای محسوب می‌شود اما هنگام ترجمه به فارسی، تازگی و حیات دوباره می‌یابد» (داد، ۱۳۹۲، ص. ۳۳).

1. dead metaphor
2. live metaphor

۲. در بلاغت انگلیسی اصطلاح Cliché نیز مصداقی برای استعاره قریب است؛ چنان‌که در تعریف آن گفته‌اند: «عبارتی کهنه و مبتذل و بیش از حد استفاده شده‌ای که دیگر زنده نیست. بسیاری از اصطلاحات به دلیل استفاده مفرط به کلیشه تبدیل شده‌اند» (کادن، ۲۰۱۳، ص. ۱۲۹).

۴. ۱. ۳. ۲. استعاره بعید (دور و شگفت)

این استعاره دقیقاً در مقابل استعاره قریب قرار می‌گیرد چنان‌که گفته‌اند: برعکس استعاره قریب، هنرمندان استعاره معمولاً حاصل فعالیت ذهنی هنرمند است نه تقلید او. در این استعاره ربط بین مستعاره و مستعار منه نو و دور و غریب است و در متون بلاغی به آن استعاره خاصیه غریبه نیز گفته‌اند. جامع دیریاب و محتاج خیال‌ورزی است و هنرمند بین دو چیز به ظاهر کاملاً ناهمگون و ناهمخوان شباهتی ظریف کشف کرده است. (شمیسا، ۱۳۹۲، ص. ۲۰۲)

دل به می در بند تا مردانه‌وار
گرددن سالوس و تقوا بشکنیم
(حافظ، ۱۳۸۵، ص. ۴۸۳)

شاعر در عالم خیال سالوس و تقوا را به صورت انسان یا حیوانی مجسم کرده است.

در بلاغت انگلیسی اصطلاح Outlandish metaphor را می‌توان با استعاره بعید تطبیق داد؛ چنان‌که گفته‌اند:

«برخی از شاعران از استعاره‌های ابتکاری و عجیب لذت می‌برند؛ برای نمونه «غزل مذهبی پانزده»^۱ (۱۶۳۳) اثر جان دان^۲ چند نمونه از این مقایسه‌های غیرمعمول را ارائه می‌دهد:

Batter my heart, three-personed God; for You
As yet but knock, breathe, shine, and seek to mend;
That I may rise and stand, o'erthrow me, and bend
Your force to break, blow, burn, and make me new.

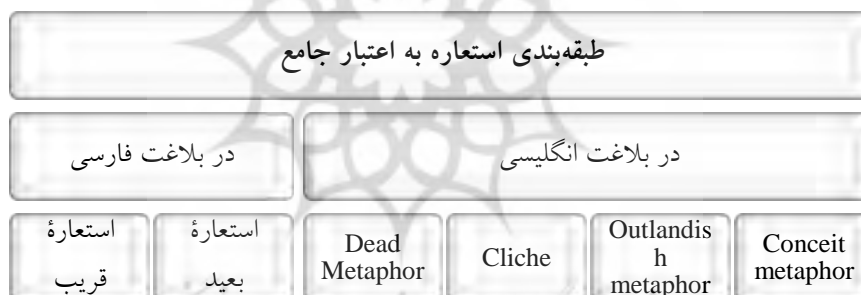
قلب مرا خرد کن، خدای سه نفره، برای شما

1. Holy Sonnet XIV

2. John Donne

هنوز به دنبال کوبیدن، تنفس، درخشش، و اصلاح است
 که من قادرم برخیزم، بایستم، مرا ببخش و خم شوم
 نیروی شما برای شکستن، ضربه زدن، سوختن و ساختن برای من نوست»
 (بارتون و هادسون^۱، ۱۹۹۷، ص. ۱۰۰).

در این مثال، «تثلیث مقدس» را با آهنگر و بندزن مقایسه می‌کند که مانند آن‌ها می‌شکند، می‌دمد، می‌سوزاند و از نو می‌سازد. اما ارتباط «تثلیث مقدس» و آهنگر خیلی دور از ذهن است و تشابه آن خیلی تخیلی به نظر می‌رسد (آقاحسینی و آقازینالی، ۱۳۸۶، ص. ۶۷-۶۸). ذکر این نکته نیز ضروری است که Conceit به‌عنوان تشبیه بعید ذکر گردید، «در بلاغت غربی «استعاره دور و شگفت»^۲ نیز نامیده می‌شود، اما چون «مشبه و مشبّه‌به» در آن ذکر می‌گردد، در زمره تشبیهات فارسی و «تشبیه بلیغ» است» (آقاحسینی و آقازینالی، ۱۳۸۶، ص. ۷۲).



نمودار ۴. طبقه‌بندی استعاره به اعتبار جامع

۴. ۱. ۴. طبقه‌بندی استعاره به اعتبار به‌کارگیری الفاظ استعاره

الفاظ ارائه شده در استعاره به اعتبار نوع به‌کارگیری دارای طبقه‌بندی‌هایی هستند. نکته قابل ذکر آن است که این طبقه‌بندی در علم بیان مبحث قابل توجه‌ای نیست اما به‌دلیل توضیح استعاره تهکمی ناگزیر اشاره‌ای به آن می‌کنیم.

1. Barton and Hudson
 2. conceit metaphor

الف. در بلاغت فارسی

- استعاره وفاقیه

آن است که اجتماع دو سوی استعار در یک تن بلااشکال باشد.

- استعاره عنادیه

آن است که اجتماع دو سوی استعاره در یک جا یا در یک تن ممکن نباشد (ر.ک:

شمیسا، ۱۳۹۲، ص. ۲۰۴).

- استعاره تهکمیة

از فروع استعاره عنادیه استعاره تهکمیة است در بلاغت فارسی به استعاره تهکمیة استعاره ریشخندی و تلمیحیه هم گفته‌اند و آن است که یک واژه در معانی ضد خود و برای طنز و ریشخند به کار رود؛ مانند بیت:

ترسم که بهره‌ای نبرد روز بازخواست نان حلال شیخ زآب حرام ما
(حافظ، ۱۳۸۵، ص. ۱۲)

ب. در بلاغت انگلیسی

۱. اصطلاح Diminishing metaphor عبارت است از: «تصویری که در آن یک نوعی عدم توافق یا اختلاف مبهم در میان مشبه و مشبّه به وجود دارد. این اختلاف زمانی رخ می‌دهد که یک اندیشه و تصویری که آن را مجسم می‌کند، به گونه‌ای در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند که کاملاً مناسب و سازگار نیستند. نتیجه آن اغلب شوخ‌طبعی، هیجان‌انگیز و تحرک عاطفی است. چنین استعاره‌ای در شعر متافیزیک (ماوراءالطبیعی) رایج است؛ مثال مشهور آن آغاز سرود عاشقانه چی.آلفرد پروفراک^۱ از تی. اس. الیوت^۲ است:

Let us go then, you and I
When the evening is spread out against the sky
Like a patient etherised upon a table.

1. The Love Song of Alfred Prufrock

2. T. S. Eliot

بیا برویم، تو و من
 وقتی که غروب در آسمان پهن شده است
 چون بیماری که بر روی میز بیهوش است. (کادن، ۲۰۱۳، ص. ۲۰۵)
 ۲. اصطلاح Antiphrasis «صناعتی بدیعی که یک کلمه مستقیماً به معنای مخالف
 معنی معمول آن است؛ برای نمونه نامیدن یک آدم غول پیکر با عنوان کوچک و یا
 یک دشمن به‌عنوان دوست» (بالدیک^۱، ۲۰۰۱، ص. ۱۴).



نمودار ۵. طبقه‌بندی استعاره به اعتبار به کارگیری الفاظ استعاره

۴. ۱. ۵. طبقه‌بندی استعاره به اعتبار واحد کلمه

استعاره‌ها به اعتبار تعداد اجزای کلام به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف. در بلاغت فارسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

– استعاره مفرد

هرگاه استعاره یک کلمه – اعم از مفرد یا مرکب – باشد آن استعاره، استعاره مفرد
 نامیده می‌شود؛ بنابراین استعاره تبعیه نیز استعاره‌ای مفرد است. به‌طور کلی باید گفت
 تمام مباحثی که تاکنون درباره استعاره مطرح شد استعاره مفرد محسوب می‌شوند.

1. Baldick

– استعاره مرکب

استعاره مرکب در بلاغت فارسی آن است که «مشبّه به یا مستعار منه مذکور به صورت جمله باشد و واژه نباشد» (علوی مقدم و اشرف زاده، ۱۳۹۳، ص. ۱۲۷)

تو و طوبی و ما و قامت یار فکر هر کس به قدر همت اوست
دور مجنون گذشت و نوبت ماست هر کسی پنجروزه نوبت اوست
(حافظ، ۱۳۸۵، ص. ۵۷)

ب. در بلاغت انگلیسی

اصطلاح *mixed metaphor* «استعاره‌ای است که دو مشبّه به استعاری مختلف یا حتی بیشتر از آن تلفیق می‌شوند. یک نمونه استعاره آمیغی (مرکب) جمله‌ای است که هملت در حدیث نفس خود درباره وضعیت پریشان خود به زبان آورده است:

To take arms against a sea of trouble, / And by opposing end them

برای مقابله با دریای مشکلات بازوان خود را گشوده‌ام و با مقابله کردن به آن‌ها خاتمه می‌دهم (ایبرامز و گالت هرهم، ۱۳۹۴، ص. ۱۵۳).

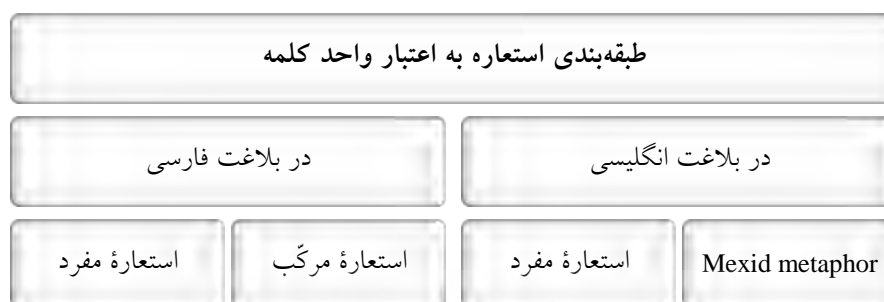
در نمونه مذکور «در سطر نخست دو مشبّه به حضور دارد؛ یکی مشبّه بهی که ذکر نشده یعنی «مرد جنگجو» اما این مشبّه به از نشانه‌های آن که سلاح برگرفتن باشد معلوم می‌شود و دیگری مشبّه بهی که ذکر شده و آن «دریا» است که مشکلات با آن مقایسه شده است» (داد، ۱۳۹۲، ص. ۳۲). شمیسا (۱۳۹۲، ص. ۳۵۱) در مورد تمایز این استعاره با استعاره مرکب در بلاغت فارسی می‌نویسد:

این استعاره را می‌توان استعاره مختلط یا آمیخته و امثال آن ترجمه کرد (یکی از معانی *Mix* هم آشتی دادن و سازگار شدن است) اما مرکب نباید گفت تا با استعاره مرکب اشتباه نشود و آن است که چند استعاره کنار هم بیایند اما بین آن‌ها ناهمخوانی و عدم سنخیت باشد. (شمیسا، ۱۳۹۲، ص. ۳۵۱)

بنابراین اگر اصطلاح *mixed metaphor* استعاره مختلط ترجمه شود می‌توان نمونه‌هایی از آن را در بلاغت فارسی یافت، مانند این بیت حکیم نظامی:

ز سنبل کرد بر گل مشک بیزی ز نرگس بر سمن سیماب ریزی

در این بیت سنبل استعاره از زلف، گل استعاره از صورت، مشک بیزی استعاره از پریشان کردن موی بر چهره، نرگس استعاره از چشم، سمن استعاره از صورت و سیماب ریزی استعاره از اشک ریختن است (به نقل از شمیسا، ۱۳۹۲، ص. ۱۶۲).



نمودار ۶. طبقه‌بندی استعاره به اعتبار واحد کلمه

۴. ۱. ۶. استعاره گسترده

در بلاغت انگلیسی استعاره‌ای با عنوان Extended metaphor وجود دارد که در شعر زیر از امیلی الیزابت دیکینسون روشن می‌شود:

"Hope" is the thing with feathers	امید چیزی دارای پر است
That perches in the soul	جای امن آن در روح است
And sings the tune without the words	و آواز را بدون کلمات می‌خواند
And never stops at all	و هرگز متوقف نمی‌شود
And sweetest in the gale is heard	و در طوفان شیرین‌تر شنیده می‌شود
And sore must be the storm	و سختی باید در طوفان باشد
That could abash the little Bird	آن می‌تواند پرنده کوچک را از بین ببرد
That kept so many warm	آن خیلی گرم است
I've heard it in the coldest land	من آن را در سردترین سرزمین شنیده‌ام
And oil the strangest Sea	و در غریب‌ترین دریای نفت
Yet, never, in Extremity,	با این حال، هرگز، در انتها

این یک درخواست کوچک من است. It asked a crumb of Me.

در بند اول شعر، استعاره صریح است مشبه آشکارا به‌عنوان Hope «امید» مشخص شده، اما مشبه به [bird] «پرنده» فقط thing with feathers «چیزی با پر» توصیف شده است. در بند دوم شعر، استعاره با نام مشبه به Little Bird «پرنده کوچک» آشکار می‌شود. Hope «امید» موضوع مقایسه است و Little Bird «پرنده کوچک» چیزی است که موضوع با آن مقایسه شده است. با توجه به استعاره دیکینسون، امید چیزی شبیه پرنده است به این معنی که «هرگز متوقف نمی‌شود» ما را آرام می‌کند، حتی اگر آواز خواندن یک پرنده به ظاهر «هرگز متوقف نشود». این مقایسه بین امید و پرنده در سراسر شعر حفظ و توسعه یافته است، و آن را یک استعاره گسترده کرده است (بارتون و هادسون، ۱۹۹۷، ص. ۹۹-۱۰۰). در شعر فارسی نیز نمونه‌هایی از این نوع استعاره را می‌توان یافت:

زمان گذشت

زمان گذشت و شب روی شاخه‌های لخت اقاقی افتاد

شب پشت شیشه‌های پنجره سر می‌خورد

و با زبان سردش

ته‌مانده‌های روز رفته را به درون می‌کشید. (فرخزاد، ۱۳۶۸، ص. ۳۶)

چنان‌که ملاحظه می‌شود دو نمونه تفاوت دارند و آن حضور همزمان مشبه Hope و مشبه به Little Bird در شعر امیلی دیکینسون است در حالی که استعاره به شمار می‌آید و همان‌طور که ذکر شد در فارسی این نوع استعاره تشبیه بلیغ و در بلاغت انگلیسی استعاره صریح است. نکته دیگری که باید به آن اشاره شود آن است که «تمثیل^۱ حاصل ارتباط بین مشبه و مشبه‌به است. در تمثیل اصل بر این است که فقط مشبه‌به ذکر شود و از آن متوجه مشبه شویم و بدین لحاظ فرنگیان به تمثیل استعاره گسترده^۲ هم می‌گویند» (شمیسا، ۱۳۹۲، ص. ۲۴۳).

1. allegory

2. extended metaphor

۵. نتیجه‌گیری

استعاره از تخیل‌ترین صناعات مطرح در قلمرو علم بیان است که در میان تمامی ملت‌ها بررسی شده است. استعاره در بلاغت فارسی و Metaphor در بلاغت انگلیسی در کنار وجوه تمایز همانندی‌های بسیاری نیز دارند. این صنعت بلاغی در هر دو دیدگاه معنای حقیقی کلمات را تغییر داده و در معنایی مجازی به کار می‌رود. چنان‌که گذشت در بلاغت هر دو زبان استعاره را گونه‌ای تشبیه دانسته‌اند با این تفاوت که در بلاغت فارسی استعاره گونه‌ای مجاز نیز هست. از سویی دیگر، رجحان استعاره بر تشبیه در هر دو زبان امری پذیرفته‌شده است. استعاره در فارسی و انگلیسی دارای طبقه‌بندی‌هایی هست که می‌توان نمونه‌هایی از استعاره را با وجود نامگذاری‌های متفاوت در میان این دو زبان یافت. از سویی دیگر، در زبان انگلیسی نمونه‌های از استعاره در بلاغت فارسی را با وجود این‌که هیچ نامی از آن‌ها در بلاغت انگلیسی برده نشده نیز دیده می‌شود از جمله استعاره اصلی، اما باید افزود در انگلیسی وجود گونه‌ای استعاره که ذیل اصطلاح Explicit Metaphor مطرح و در آن هر دو رکن اصلی تشبیه ذکر می‌شود و در بلاغت فارسی این نوع در زمره تشبیه‌ها طبقه‌بندی می‌شود و تشبیه بلیغ است نشان می‌دهد که بلاغت انگلیسی مانند بلاغت فارسی همچون زنجیری دست‌وپاگیر نیست. از سویی دیگر، در بلاغت انگلیسی گونه‌ای استعاره وجود دارد که در آن هر دو رکن اصلی استعاره حذف می‌شوند که این نوع در بلاغت فارسی نمونه‌ای ندارد.

کتابنامه

- احمدی، م، پورنامداریان، ت. (۱۳۹۶). *درآمدی بر مهمترین معانی اصطلاح رتوریک*. فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه، ۵۰ (۱) ۲۷-۵۲.
- ارسطو. (۱۳۴۳). *فن شعر*. ترجمه عبدالحسین زرین‌کوب. تهران: بنگاه ترجمه و نشر.
- آقاحسینی، ح، آقازینالی، ز. (۱۳۸۶). *مقایسه اجمالی صور خیال در بلاغت فارسی و انگلیسی*. گوهر گویا، ۱ (۱)، ۴۹-۷۷.

- آقازینالی، ز. (۱۳۸۵). مقایسه صور خیال در ادبیات فارسی و انگلیسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- ایبرامز، ا. و جفری گالت، ه. (۱۳۹۴). فرهنگ توصیف اصطلاحات ادبی. ترجمه سعید سبزیان. تهران: رهنما.
- براتی، م. (۱۳۹۶). بررسی و ارزیابی نظریه استعاره مفهوم. پژوهش مطالعات زبانی و بلاغی، ۸ (۱۶). ۵۱-۸۴.
- براتی، م.، صالحی مازندرانی، م. ر.، امامی، ن. و لویمی مطلق، ک. (۱۳۹۵). مفهوم‌شناسی تطبیقی استعاره در غرب و بلاغت اسلامی. جستارهای ادبی، ۴۹ (۱۹۲)، ۱۰۷-۱۲۸.
- حافظ، ش. (۱۳۸۵). دیوان. به تصحیح بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران: دوستان.
- داد، س. (۱۳۹۲). فرهنگ اصطلاحات ادبی. تهران: مروارید.
- رجایی، م. خ. (۱۳۵۳). معالم‌البلاغه در علم معانی و بیان و بدیع. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- رضایی، ا. (۱۳۹۸). استعاره در گذر زمان؛ بررسی، تحلیل و نقد تطور تعریف استعاره در آثار بلاغی عربی و فارسی. مجله فنون ادبی، ۱۱ (۲۶)، ۶۳-۷۱.
- ریچاردز، آ. ا. (۱۳۸۲). فلسفه بلاغت. ترجمه علی محمدی آسیابادی. تهران: قطره.
- سپه‌وند، ع. (۱۳۹۱). بلاغت تطبیقی در حوزه فارسی و انگلیسی. رساله دکتری. دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- سجادی، ب.، رستمی، ن. (۱۳۹۳). اشعار تی. اس. الیوت در زبان فارسی: بررسی موردی ترجمه استعاره‌ها در «سرزمین بی حاصل». فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه، ۴۷ (۱)، ۱۹-۳۶.
- سلیمانی، ز. (۱۳۹۰). قرآن، رخ‌نمایی و بالندگی علوم بلاغی، فدک سبزواری، ۲ (۸)، ۹۱-۱۰۸.
- شفیعی کدکنی، م. ر. (۱۳۷۵). صور خیال در شعر فارسی. تهران: آگاه.
- شمیسا، س. (۱۳۹۲). بیان. تهران: میترا.
- عسکری، ا. ه. (۱۳۷۲). معیارالبلاغه مقدم‌های در مباحث علوم بلاغت (ترجمه صنعتین نظم و نشر عربی). ترجمه محمد جواد نصیری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- علوی مقدم، م.، اشرف‌زاده، ر. (۱۳۹۷). معانی و بیان. تهران: سمت.
- فرخزاد، ف. (۱۳۶۹). تولدی دیگر. تهران: مروارید.

- کاظمی تبار، م. ع. (۱۳۹۶، ۱۲ بهمن). *واکاوی استعاره از منظر بلاغت سنتی و جدید در زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی*. مقاله ارائه شده در دومین کنفرانس بین‌المللی بررسی مسائل جاری زبان‌ها، گویش‌ها و زبان‌شناسی، مؤسسه پژوهشگران اندیشمند، اهواز، ایران.
- کروچه، ب. (۱۳۴۴). *کلیات زیباشناسی*. ترجمه فواد روحانی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- لیکاف، ج. (۱۳۸۴). *نظریه استعاره*. ترجمه فروزان ساجدی. تهران: سوره مهر.
- معصومی، ا.، ابن‌الرسول، م. ر.، خاقانی، م.، و رفیعی، ع. (۱۳۹۷). بررسی نظریه «استعاره: نشبیه کوتاه شده» و نسبت آن با نظریه‌های جدید استعاره (مطالعه موردی: سه نظریه از سکاکی، مکس بلک و دیویدسون). *انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، ۴۸، ۸۳-۱۰۲.
- مهدی‌زاده سراج، م. (۱۳۷۹). تحلیل معنایی مجاز. *مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبائی*، ۹۱، ۷۶۰-۷۷۰.
- میرصادقی، م. (۱۳۸۵). *واژه‌نامه هنر شاعری: فرهنگ تفصیلی اصطلاحات فن شعر و سبک‌ها و مکتب‌های آن*. چاپ سوم. تهران: کتاب مهناز.
- هاوکس، ت. (۱۳۷۷). *استعاره*. ترجمه فرزانه طاهری. تهران: نگاه.
- ولک، ر.، وارن، آ. (۱۳۷۳). *نظریه ادبیات*، ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر. تهران: علمی و فرهنگی.
- Baldick, C. (2001). *The concise Oxford dictionary of literary terms* (2nd Ed.). Oxford, England: Oxford University Press.
- Barton, E., & Hudson, G. (1997). *A contemporary guide to literary term*. Boston, MA: Houghton Mifflin Company.
- Cuddon, J. (2013). *A dictionary literary terms and literary theory* (5th Ed.). Now York, NY: Penguin Books.
- Perrine. (2018). *Literature structure, sound and sense* (13th Ed.). Boston, MA: Cengage Learning.